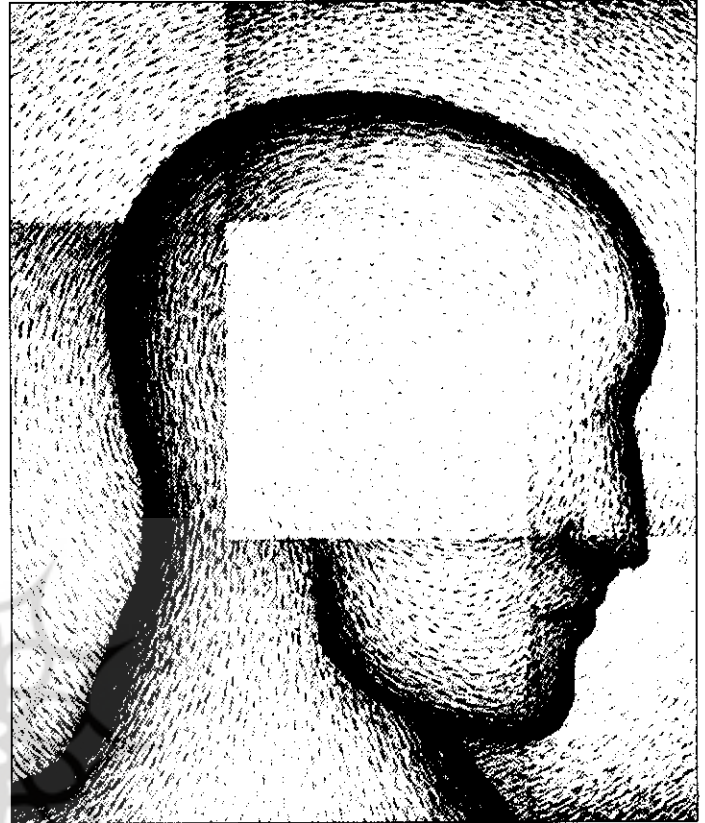


# جهاد مقدس



جهاد اصطلاحی است که به نحو عمومی بیشتر در سنت دین اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد که بر مبارزه‌ای با هدفی دینی دلالت دارد. حدود ۹۰ درصد از جهان اسلام متعلق به شاخه اهل تسنن است. به همین واسطه این مقاله می‌کوشد از منظر اهل سنت به مقوله جهاد توجه کند. تعبیر کامل «جهاد فی سبیل الله» به معنای تلاش و مجاهده در مسیر (یا هدف) الهی است. به هر حال می‌توان اینگونه بیان نمود که الزاماً جهاد در اسلام به معنای جنگ یا تخاصم نیست. تمام کلماتی که در زبان عربی از ریشه سه حرفی «جهد» مشتق می‌شوند در معنای خود جِد و جهاد، تلاش فردی یا اعمال دقت فوق‌العاده و زیاد را به همراه دارند. فرهنگ‌نویسان زبان عربی شکل سوم از این ریشه را بر شمرده‌اند که از جهاد در حالت اسمیث مستقل می‌شود. آنهم به معنای بکار بستن قدرت در بالاترین حد خود و تلاش، سعی یا توانایی مبارزه با امری که مورد نکوهش و اعتراض است. جهاد با زبان، جهاد با قلب، جهاد با شمشیر. موضوع مخالفت برای کسی که مجاهده می‌کند در برابر چیزی است که به مثابه دشمن نماد شرارت یا جنبه‌ای منفی از وجود فردی به حساب می‌آید. بنابراین این انواع جهاد به میان می‌آید که مهمترین آن ارتباطی به جنگ یا نبرد ندارد. برای مثال «جهاد با زبان» به معنای تلاش غایی یک فرد برای سخن گفتن در مسیر خیر و علیه بدی است و «جهاد با قلب» دلالت بر مبارزه فرد علیه گرایش‌ها و تمایلات غیر اخلاقی وی است. مطابق با سنت اسلامی (حدیث) پیامبر اسلام انواع جهاد را برای مسلمانان ترسیم نموده است که شایسته است مسلمانان در دفاع از اسلام در برابر فساد و ضلالت به آن‌ها بپردازند: «هر پیامبری که پیش از من از جانب خدا برای امتش فرستاده شده به این دلیل واسطه بوده است که پیروانش از دستورات و مسیر او متابعت کنند. پس از این پیامبران جانشینانی ناخلف به میان آمدند که مردمان را به آنچه پیامبران دستور نداده بودند فرا خواندند. هر که با دستان خود علیه آنها مبارزه کند مؤمن است، هر آنکه با زبان خود در برابر آنان بایستد مؤمن است و هر آنکه با قلب و نیت خود به آنان دل ندهد نیز مؤمن است». علاوه بر جهاد با زبان، دست و قلب، جهاد دیگری وجود دارد که عنوان آن «جهاد با شمشیر» است که این اصطلاح عموماً بر تنفیذ نبرد دینی دلالت دارد. زمانی که واژه جهاد بدون اضافه نظیر «با قلب» یا «با زبان» مورد استفاده قرار می‌گیرد بطور کلی به معنای جنگ به خاطر اسلام معنای خود را به ذهن متبادر می‌کند. اغلب جهاد به دو بخش تقسیم می‌شود: جهاد اکبر (۱) و جهاد اصغر (۲). بر اساس یکی از احادیث مشهور که از پیامبر اسلام نقل شده است زمانی که وی از یکی از جنگها بازمی‌گشت بی‌درنگ به این نکته اشاره کرد که «از جهاد اصغر باز گشته‌ام و باید به سوی جهاد اکبر رهسپار شوم» زمانی که از او سؤال می‌شود معنای جهاد اکبر چیست؟ می‌فرماید: «جهاد در برابر نفس». بنابراین این جهاد بدون دردسر و آسان می‌تواند جهادی اخلاقی و کلامی آنهم بدون برخورد و آسیب به دیگران صورت

گیرد اما آنچه عموماً از این واژه برداشت می‌شود درگیری و برخورد فعالانه در دفاع یا انتشار و تبلیغ از اسلام است. درون این طیف گسترده از معانی که با دفاع اسلامی مشارکت دارند، نبرد مسلمانان در برابر کسانی چون مرقدین، خوارج معاند با اقتدار اسلامی، گروههای مسلمان مخالف (یعنی) با رهبری مشرک جهان اسلام، سازقان بزرگ، دیگر مردمان اهل خشونت و غضب و حتی سران منحرف یا ضد مسلمان مثل دیگر نیز قرار می‌گیرند.

## جهاد

هر چند جهاد نسبت به امور ظاهری و عینی بیرونی گرایش دارد و در برابر سیاستهای غیراسلامی که تهدیدی علیه سعادت و رفاه جامعه یا امت اسلامی تلقی می‌شوند صف‌آرایی می‌کند اما این شکل از جهاد که رنگ الوهیت در برابر غیرمسلمانان دارد با مفهوم غربی جنگ مقدس (۳) در تضایقی حداقلی قابل تصور است که ما در پی به آن بیشتر خواهیم پرداخت.

## جهاد در قرآن

ریشه «جهاد» در هجده سوره از قرآن چهل و یک بار تکرار شده است اما کلمه قتال که بسیار خاص تر از جهاد است در معنای جنگ و ایجاد چالش و مبارزه رودر رو کمتر بکار برده شده است. چرا که فرد با جهاد درگیر قتال آنهم در مسیر الهی می‌شود و این امر همیشه زمینه دینی نبرد بوده است. «حرب» نیز کلمه‌ای عمومی است که در زبان عربی به معنای جنگ است. این واژه نیز عموماً در قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. حرب برای جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد که از سوی مرجع دینی مشروع و معقول نیست و به عنوان امری که در مسیر الهی تحقق می‌یابد، به رسمیت شناخته نمی‌شود. بنابراین این حرب نمی‌تواند جنگ دینی معنی و تحلیل نماید. مع‌توضف باید به این نکته توجه داشت که اصطلاحاتی که در قرآن برای جنگ و نبرد مورد استفاده قرار گرفته به جهاد محدود نمی‌شود بلکه طیفی از واژگان را دربرمی‌گیرد که با توجه به موقعیتهای خاص سیاسی، اجتماعی و دینی می‌توان از آنها استفاده کرد. در قرآن یکبار جنگی خاصی بپیرامون موقعیت و وضعیت جنگ دیده نمی‌شود. در قرآن آیاتی وجود دارند که به نظر می‌رسد در آنها متوکین (۴) و خاموشی گریبان یا حداقل کسانی مورد خطاب قرار گرفته‌اند که دیدگاهی غیرمبارزه‌طلبی را در جهت فیصله دادن به تضادهای با غیرمسلمانان در سر می‌پروراند. سوره ششم در آیه ۱۰۶ می‌گوید: «از آنچه پروردگارت به تو وحی می‌کند پیروی کن، خدایی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان» حتی با وجود قرار گرفتن در موقعیت قدرت و برتری یا به عکس فضای ناشی از غدر و خیانت، برخی آیات مؤمنین را به صلح و گذشت فرا می‌خواند آیه ۱۳ از سوره پنجم در ارتباط با «اهل کتاب» است که می‌گوید: «به سبب پیمان‌شکنی‌شان لغتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم... تو پیوسته به خیانت آنان بی‌پای می‌بری مگر عده اندکی از آنان؛ پس آنان را ببخش و بگذار و بگذر که خداوند نیکوکاران را دوست دارد» و حتی زمانی که مشاجره و بحث جدی نیز با اهل کتاب درمی‌گیرد آیه ۴۶ از سوره یوسف و نهم می‌گوید: «و با اهل کتاب جز به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نکنید مگر با ستمگران آنان و بگویید به آنچه بر ما و بر شما نازل شده ایمان آورده‌ایم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما همه فرمانبردار اویم».

اگرچه آیات دیگر دیدگاه مبارزه علیه نامسلمانان و جنگ با آنها را مطرح می‌کند برخی آیات نظیر آیه ۱۹۰ از سوره دوم جنگ و مبارزه را تنها برای دفاع و در نهایت تحذیر و احتیاط آنهم در جهت عدم تجاوز از اصول اخلاقی توصیه می‌کند: «و در راه خدا یا کسانی که با شما آغاز کارزار می‌کنند کارزار کنید ولی ستمکار و آغازگر نباشید چرا که خداوند ستمکاران را دوست ندارد». اما در عین حال در دو آیه بعد پیامی تهاجمی را در مبارزه با کفار بیان می‌دارد: «و هر جا که بر آنان دست یافتید بکشیدشان و آنان را از همان جا که شما را رانده‌اند برانید چرا که فتنه شرک بدتر از قتل است... و با آنان چندان نبرد کنید که فتنه شرک باقی نماند و دین فقط دین الهی باشد و چون دست بردارند، ستم نباید کرد مگر بر ستمگران آنها». می‌بینیم که قرآن به عنوان متن اصلی آنچنان جنگ و تخاصم با نامسلمانان را مورد بررسی قرار می‌دهد و مغایرتها را به دقت مورد توجه قرار می‌دهد که با توجه به تقویم وحی و مسئله نسخ برخی آیات در طول دوران حیات پیامبر اسلام بواسطه آیاتی که در مراحل جدیدتر وحی می‌گردیدند می‌توان مسئله جنگ علیه جبهه کفر را در موقعیتهای مختلف از یکدیگر متمایز کرد و با توجه به جهاد در قانون اسلام آنرا از بحث تروریسم اسلامی در دوران معاصر مجزا نمود چرا که با مذاقه در روش‌شناسی مطروحه در آیات قرآن این نکته به روشنی یافت می‌شود که انهدام مرکز تجارت جهانی در نیویورک و تخریب بخشی از پنتاگون با هیچ دریافت روش‌شناسانه‌ای از آیات قرآن سازگار نیست و آموزه جهاد در دوران معاصر هنوز هم اعتبار خود را به واسطه تمایز از تروریسم اسلامی حفظ کرده است.

Grater Jihaer - ۱

Lesser Jihad - ۲

Holy war - ۳

Quietist - ۴